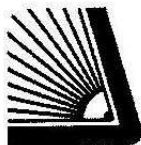


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَمْ يَلْمِ يَظْهَرْ
وَلَمْ يَلْمِ يَظْهَرْ

زیارت

سعید وزیری



انتشارات نظری

سرشناسه	: وزیري ، سعيد
عنوان و نام پديدآور	: زيارت / سعيد وزيری
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۴
مشخصات ظاهري	: ۳۸۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۳۰۵-۵
وضعيت فهرست‌نویسی	: فیا
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۵۵۷۱

نام کتاب: زیارت

نویسنده: سعید وزیري

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فرداد - مادیتا

خطاط جلد: استاد علی علی



انتشارات نظری

«کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می‌باشد»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف آباد)

نش خیابان فتحی شقایق، جنب بانک انصار، بلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

www.nashrenazari.com **info@nashrenazari.com**

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵ همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۶۵۵

پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
درآمد.....	۱۱
جستار یکم: پیش زمینه‌ای برای تقدس آب.....	۲۳
جستار دوم: داری پرستی فرهنگی مانده از دوران کهن.....	۳۱
جستار سوم: دختر، چل دختر، خاتون، بانو، بی بی.....	۵۹
جستار چهارم: باباها.....	۱۱۳
دفتر دوم: امامان شیعه و امامزادگان.....	۱۳۱
جستار پنجم: من و زیارتگاه‌ها.....	۱۴۵
جستار ششم: امامزاده‌ها و شجره‌نامه‌ها.....	۱۷۹
جستار هفتم: سفر به تربت پاکان.....	۲۶۳
منابع.....	۳۸۳

پیشگفتار

همیشه سفرهای سیاحتی و زیارتی بار معنوی مستی را با خود داشته و دارد. علاوه بر آرامش روانی که از یک مکان زیارتی به انسان دست می‌دهد، آشنایی با فرهنگ بومی و جامعه‌شناختی، از قوم‌ها، قبیله‌ها و خرده فرهنگ‌ها را نیز با خود به همراه دارد. مهم نیست که زائر این‌گونه مسافرت‌ها، چه کسی باشد، چه مقام و موقعیتی داشته باشد، در چه حدی از باورهای دینی باشد، تا چه اندازه با آیین‌های دینی و مناسک آشنا باشد، پژوهشگری تیزبین باشد یا زائری دل‌سوخته که با حس و دل و باوری قلبی

به سفر آمده است. هر که می‌خواهد باشد، هر چه می‌خواهد بیندیشد. مهم این است که با دست خالی باز نمی‌گردد؛ حتی اگر آدم سخت‌گیر و شکاکی باشد که در هر کاری دنبال چون و چرایی آن باشد، یا در پی این باشد که به درستی و نادرستی هر موضوع مورد بحثی پردازد. ضروری نیست که تو با علم نسب‌شناسی آگاه باشی تا بدانی کسی را که به زیارتش آمده‌ای از تبار چه معصوم‌زاده‌ای است؟ یا از نسل کدام عالم و عارف؟ ...

این‌ها، همه به کنار، در این سفرها ما با مردم آشنا می‌شویم؛ با باورهایشان آشنا می‌شویم؛ با شیوه زندگی مردمان گوناگون آشنا می‌شویم. ما در یک مکان زیارتی برای ساعتی یا روزی، دور هم جمع می‌شویم تا شاید با زمینه‌های فکری عده‌ای آشنا شویم. سیاحت است، زیارت است و چون سفر است، تفکر است. عده‌ای در یک محدوده جغرافیایی در شهری یا روستایی، در متن کویر یا در دل جنگل یا در تن کوه و کمر، دنبال چیزی آمده‌اند... و در جایی که عنوان زیارت‌گاه یا برج آرام‌گاهی یا مزار پاکان و پیران را با خود دارد، با سلیقه‌ها و باورهای گوناگون دور هم جمع می‌شوند و جدا از موقعیت‌های شغلی، زبانی و اقتصادی یک تشکل مردمی را بوجود می‌آورند. از این جنبه که بگذریم، باید به جنبه اقتصادی و درآمدزایی و اشتغال توجه کرد. برای مثال وقتی «امام‌زاده داوود» که به علت موقعیت

استثنایی خود در دل کوه‌هایی پر از رمز و راز در کنار دره‌ای ژرف و رودخانه‌ای دیدنی تبدیل به یک مکان سیاحتی هم شده است را در نظر بگیریم، زائران برای توقف موقت خود نیاز به خانه، مهمانخانه، زائرسرا، مغازه و... دارند. در نتیجه حائر امامزاده تبدیل به یک مرکز اقتصادی می‌شود و اشتغال‌زایی را در پی دارد. برای آمد و رفت به امامزاده، چه آنگاه که از فرزند مکاری‌ها مردم را به امامزاده می‌برند، چه اکنون که پای اتومبیل بدان‌جا باز شده است. بنابراین مکان‌های زیارتی صرف‌نظر از مقام قدسی، دینی، علمی و یا هنری صاحب بقعه و بارگاه از جنبه‌های ۱- اقتصادی، ۲- مردم‌شناسی، ۳- تفریحی و گردشگری، ۴- آیینی، ۵- نیایش‌های دینی، ۶- برگزاری جلسه‌های سوگواری، ۷- دین‌پژوهی، ۸- تاریخی، ۹- نسب‌شناسی و شناخت صاحب بقعه، ۱۰- باستان‌شناسی، هنر معماری و... قابل بررسی است. بنابراین در این سیر و سیاحت هیچ‌کس با دست خالی باز نمی‌گردد. از این رو سفرهای سیاحتی و زیارتی می‌تواند به غنای فکر و فرهنگ ما بیفزاید. بدیهی است که بررسی در هر یک از این مورد‌های یاد شده می‌تواند خود جستاری درخور باشد که جای آن در این دفتر نیست.

من در این کتاب می‌خواهم از دو جهت به این زیارت‌گاه‌ها نگاه کنم: نخست شناخت صاحب بقعه و دیگر موقعیت میراثی و گردشگری آن. و در همین‌جا، صادقانه اعتراف می‌کنم که از عهده هیچ کدام نمی‌توانم برآیم! وانگهی در هر شهر یا روستا و یا جاهایی که با روستاها و شهرها فاصله‌ای قابل توجه دارد، گنبدی کوچک یا بزرگ، با آجر یا کاهگلی و یا کاشی به چشم می‌آید. اگرچه ممکن است تاریخ رسمی و مردمی کشورمان از صاحبان این زیارت‌گاه‌ها بی‌اطلاع باشد و نسب‌نامه نویسان نیز آگاهی درستی در این باره نداشته باشند، اما این عدم شناخت از اهمیت این بناها نمی‌کاهد؛ زیرا بسیاری از این مکان‌ها به منزله شناسنامه‌ای است که هویت تاریخی مردم آن دیار را نشان می‌دهد. بحث درباره اینکه این زیارت‌گاه‌ها، امام‌زاده‌اند یا امام یا عارف یا شاعر یا عالم دینی یا پیری، بابایی، یا «بی‌بی» و «خاتونی» ... یا سرداری، نیاز به پژوهش دقیق دارد و تازه اگر امام‌زاده‌اند آیا امام‌زاده‌هایی هستند که بی‌واسطه به یکی از امامان دوازده‌گانه می‌رسند یا نه؟ و اگر از تبار بی‌واسطه یا باواسطه هستند آیا به شیعه دوازده امامی منسوبند یا زیدیه یا اسماعیلیه یا ... اگر از تمام این گنبد و بارگاه و بقعه‌ها و مزارها بتوانیم فهرستی تهیه کنیم، آنگاه باید آنها را در دو بخش دسته‌بندی کرد.

نخست: امامزاده‌ها... دیگر مزارهایی که جنبه قدسی ندارند، اما مورد علاقه‌اند. بدیهی است برای من امکان پژوهش درباره همه امامزاده‌ها و گنبدها و برج‌های آرامگاهی نیست اما از آنجا که مشت می‌تواند نمونه خروار باشد، پژوهش را محدود به استان تهران و شهرستان‌های آن کرده‌ام مانند ری، شمیران، دماوند، فیروزکوه، کرج، ساوجبلاغ، شهریار، ورامین. و از این تعداد فقط به بررسی کمی از زیارت‌گاه‌ها پرداخته‌ام. باشد که این راهی باشد برای کسانی که به این گونه کارها علاقه دارند.

درآمد

در سراسر ایران می‌توان نقش زیارت‌گاه‌ها را در زندگی مردم دید. واژه زیارت اگرچه به معنی مطلق دیدار است، اما در میان مردمانی که دل در زلال باورهای آئینی دارند، واژه زیارت از گونه‌ای تقدس برخوردار است. با اینکه بسیاری از مکان‌هایی که جنبه زیارت دارند مزار پاکان، نیکان و بزرگانند، اما کم نیستند زیارت‌گاه‌هایی که نه تربت کسی است و نه کسانی در آن‌جا به خاک خفته‌اند، اما مردمی به آن‌ها باور دارند. مانند: قدمگاه‌ها، چشمه‌های شفابخش، کوه‌های مقدس، سقاخانه‌ها، جاه‌ها، درختان پناه‌دهنده، غارها... و مکان‌هایی که به باور مردم، بزرگانی در آنجا از چشم مردم غایب شده‌اند. از سویی این مردم‌اند که برای این زیارت‌گاه‌ها و مکان‌های مقدس، فروزه‌هایی را به کار برده‌اند که بررسی درباره هر یک از فروزه‌ها و نام‌گذاری‌ها می‌تواند خود کنای جستاری مردم‌شناسانه باشد.

اگر ما ایران را سرزمین زیارت بدانیم، سخن به گزافه نگفته‌ایم. نگاهی به این نام‌ها، نام‌واره‌ها و فروزه‌ها می‌تواند ما را با دنیایی از شگفتی آشنا کند.

ما از خیلی‌ها در جاده ساری، تاکام، نام «آق مشد» را می‌شنویم، تعجب نکنید! نام امام‌زاده‌ای است که مردم به آن باور دارند. آق مشد: محل شهادت آقا، هم زیارت‌گاه است، هم این آقا نامش را به روستا داده است. مردم کویر هم «آقا علی عباس» را دارند. این واژه مغولی آقا، به جای لفظ امام‌زاده، معصوم‌زاده خوش نشسته است. بنابراین ضرورتی نیست که فقط نام امام‌زاده همراه بزرگ در گذشته بیاید تا جنبه تقدس پیدا کند. نام‌هایی مانند بابا، بی‌بی، همراه با بناهایی به شکل برج آرامگاهی می‌تواند پناهگاه زائرانی باشد که به آن بابا یا بی‌بی باور دارند. دیگر فرقی نمی‌کند که آن بابا، بابای مرقی باشد یا بابا یادگار اهل یارسان. و یا بی‌بی زبیده باشد یا بی‌بی شهربانو. همه این باباها و بی‌بی‌ها جنبه زیارتی دارند.

صفت پیر، خواجه، خاتون، و نام‌هایی مانند چل دختران، چل تن، و گاه نام دختر مانند زیارت‌گاه دختر پاک در روستای لینگ که جای تامل دارد، چشمه، چاه، تکیه، منبر، سقاخانه، نیز زائرانی را دارد که همراه با آئین‌هایی به زیارت می‌روند. درختان هم می‌توانند زیارت شوند، درختان چنار، سرو، توسکا.

گاه زیارت معصوم‌زاده‌ای نام روستایی می‌شود؛ مانند روستای زیارت در کیلان دماوند، در گرگان، در مشهد و... اما همین که به واژه سید می‌رسیم که پیش‌نام زیارت‌گاهی است، باید بیاد آوریم که سید از تبار امامی است و جای پژوهش نسب‌شناسی دارد، مانند: سید اسماعیل، سید ناصرالدین در تهران که با همین عنوان‌ها شناخته شده‌اند. برخی از زیارت‌گاه‌ها نیز با نام در گذشته همراه است بدون اینکه پیشوندی مانند معصوم‌زاده یا امام‌زاده یا سید و یا صفت‌های دیگری را داشته باشد، مانند: برج‌های آرامگاهی حسین‌رضا، یوسف‌رضا و... پیشوند شاه و شازده نیز درباره بعضی از زیارت‌گاه‌ها به چشم می‌خورد از شناخته شده‌ها، شاه چراغ است در شیراز و شازده عبدالعظیم در ری و... اگرچه پیشوند شیخ برای برخی از زیارت‌گاه‌ها نشان می‌دهد که زیارت‌گاه مورد نظر امام‌زاده نیست اما شخصیت صاحب مقبره به اندازه‌ی است که نگاه زائران به آنجا نگاه زائری است به امام‌زاده، مانند شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهرری یا شیخ کلینی در کلین فشافویه. فروزه شیخ هم برای بزرگان دین مانند علمای شیعه به کار می‌رود و هم فروزه‌ای است برای پیشوایان متصوفه و عارفان... غارها، کوه‌ها، قدم‌گاه‌ها، گورها نیز می‌توانند مکانی برای زیارت باشند. غار حرا، غار ثور و غارهایی که به باور خیلی‌ها در آنجا بزرگانی غیب شده‌اند.

من در کتاب زیارت کوشش کرده‌ام موضوع معصوم‌زاده‌ها، امام‌زاده‌ها را که گونه‌ای پیوند با مساله باورهای شیعی دارد، در جستاری جدا از باورهای آئینی درباره معبدها، درختان، غارها، کوه‌های مقدس، قدمگاه‌ها، بقعه‌ها بررسی کنم. اما آنچه در این بررسی به چشم می‌آید، باورهایی است که ما را با فرهنگ مردم، با هنر، با معماری، با زندگی اجتماعی، و نیازهای مردمانی آشنا می‌کند که به درخت، آب، زمین، آسمان، کوه، جنگل، دشت، نگاه، عشق، عشق می‌ورزند.



روستای کیلان، دماوند

پیش‌نام‌های زیارت‌گاه‌ها

۱- آقا، آقا

این واژه نه فارسی است و نه عربی. به همین وهان در شعر و نثر شاعران و نویسندگان از آغاز تا سده هفتم چنین واژه‌ای دیده نمی‌شود. اما مردم باد، خالدآباد، واژه «آقا» را برای حرمت بخشیدن به «علی و عباس» که در آن‌جا به خاک خفته‌اند و مورد علاقه مردم آن دیارند، برگزیده‌اند. امروز کمتر کسی است که نام زیارت آقا علی عباس را نشنیده باشد. آق مشد یا آقا مشهد، محل شهادت آقا، این زیارت‌گاه در روستایی به همین نام در بخش هولار مازندران واقع شده است. مردم هم به زیارت‌گاه و هم به آن روستا آق مشد می‌گویند.

۲- امام

واژه‌ای است عربی، فارسی آن پیشوا است. این واژه به تنهایی تقدسی ندارد؛ زیرا ما در برابر ائمه دین (پیشوایان دین) ائمه کفر (پیشوایان کفر) هم داریم. اما در فرهنگ تشیع وقتی سخن از «امام» است، مقصود امام معصوم است که ۱۲ تن هستند و از ائمه معصومین. در کشور ایران فقط زیارت امام رضا را داریم و سایر امام‌زاده‌ها یا از تبار ائمه معصومین هستند و یا بزرگانگی که مورد علاقه مردم بوده‌اند، مانند: عالمان دینی، عارفان، نیکان و ...

۳- امامزاده

این واژه‌ی ترکیبی که از واژه امام عربی و زاده فارسی درست شده است که برای عرب‌ها ناشناخته است ولی ایرانیان به مزارهایی می‌گویند که یکی از فرزندان ائمه یا از فرزندزادگان آنان باشند. مانند امامزاده عبدالله (شهری)، امامزاده طاهر (شهری)، امامزاده حمزه (شهری)، امامزاده صالح (تجربش)، و ...

۴- بابا

این پیشوند نشان می‌دهد که: صاحب مزار نه از سادات است و نه تبارش به امامی می‌رسد، اما از آن‌جا که در زمان حیات خود مورد علاقه عده‌ای بوده است، مزارش را پاس داشته‌اند. مانند بابای کوهی در شیراز، بابای مرقی در کاشان، بابا یادگار که از بزرگان یارسان است.

۵- بی‌بی

بسیاری از زنان و دخترانی که مزارشان زیارتگاه است، با عنوان بی‌بی که واژه‌ی پارسی است، شناخته شده‌اند. مانند بی‌بی شهربانو (ری)، بی‌بی زبیده (ری)، بی‌بی نور و بی‌بی هور (پیشوای ورامین)، بی‌بی فرخنده (فیروزکوه) و ... برخی از این مزارها ممکن است مربوط به معبد آنهایتا باشند.

۶- پیر

واژه پیر یا پدر، پیش‌نامی است برای عارفان و صوفیان. مانند پیر جبار، پیر برحق و ...

۷- تربت

تربت به معنی خاک. گاهی عارفی یا عالمی که به خاک رفته است چنان مورد توجه مریدان و علاقمندانش واقع می‌شود که پس از خاکسپاری وی، در کنارش شهری را می‌سازند و نام تربت بر آن می‌نهند. ما در ایران دو شهر را با عنوان تربت حیدریه و تربت جام می‌شناسیم. این دو شهر نام خود را از قطب‌الدین حیدر و احمد جام گرفته‌اند.

۸- چل تن، چل دختر

در ایران مکان‌هایی را با نام چل دختران یا چل اختران می‌شناسیم. پژوهش درباره چل دختران خود نیاز به بررسی دقیق تاریخی دارد. البته در شیراز چهل مزار بی‌نام داریم که به چهل تن معروفند و زیارتگاه درویشان و عارفان.

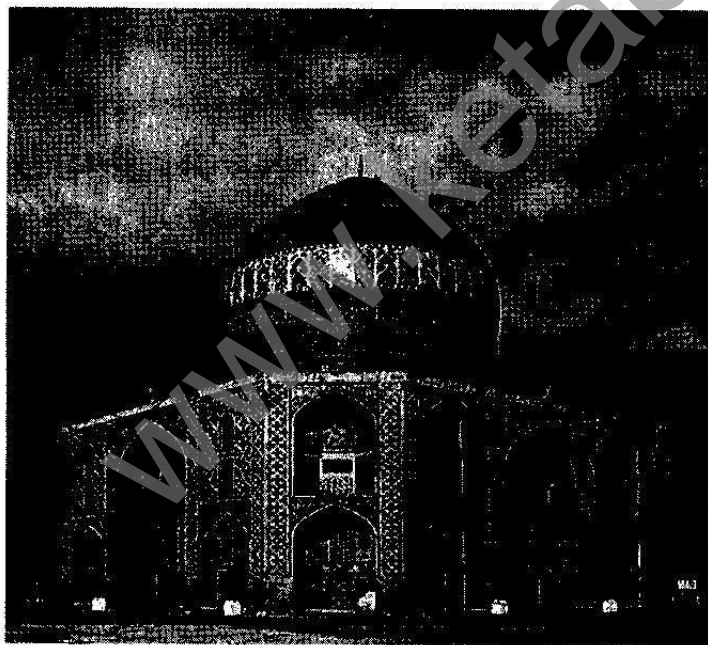
۹- حضرت

این واژه فقط برای «فاطمه معصومه» خواهر امام رضا (ع)، به کار رفته است. همان‌گونه که در تاریخ زندگی آن بزرگوار آمده است، نام ایشان فاطمه

است و معصومه فروزه آن بزرگوار است و ما امروز می‌گوییم زیارت حضرت معصومه. واژه حضرت برای هیچ امام‌زاده دیگری ذکر نشده است.

۱۰ - خواجه

خواجه یا (خدای‌چه) به معنی کسی که سروری مادی و اجتماعی دارد. با این همه این فروزه فارسی، پیش‌نام سه زیارتگاه در خراسان است: خواجه ربیع، خواجه مراد و خواجه اباصلت.



بقعه خواجه ربیع در مشهد

۱۱- خاتون

واژه‌ای است مغولی. مانند خاتون قیامت یا هاجر خاتون.

۱۲- دختر

دختر پاک نام زیارتگاهی است در روستای لیند. دختر پاک ترجمه آن‌هایتا است. ما از نام این دختر پاک آگاهی نداریم، اما مردم آن منطقه آن‌جا را زیارت‌گاه می‌دانند.

۱۳- زیارت

گاهی امامزاده‌ای که زیارت‌گاه مردم است، چنان مورد توجه است که مردم، روستایی را که وی در آن‌جا به خاک رفته است، با عنوان زیارت می‌شناسند؛ مانند: ده زیارت در کیلان دماوند و ...

۱۴- سید

به معنی سرور و آقا. امامزاده‌هایی که از تبار سادات‌اند، اما با واسطه نسلشان به ائمه می‌رسد، با عنوان سید شناخته شده‌اند. مانند سید ناصرالدین (تهران)، سید اسماعیل (تهران)، سید علاالدین (ورامین) و ...

۱۵- سیده

فروزه‌ای است برای زنان و یا دخترانی که تبارشان به امامان می‌رسد. در تهران، زیارتگاهی است با نام سیده ملک خاتون، که سالها پادشاه ری بوده است.

۱۶ - شاه

واژه‌ای فارسی است. با این همه پیش‌نام و فروزه بسیاری از امام‌زاده‌ها است. مانند شاه‌چراغ در شیراز و شاه‌عبدالعظیم (شایدالعظیم) در ری.

۱۷ - شاهزاده (شازده)

فروزه‌ای برای بعضی از امام‌زاده‌ها است، مانند شازده محمد (ورامین)، شازده جمال در قم و ...

۱۸ - شیخ

واژه‌ای عربی. این عنوان یا برای عالمان دینی به کار می‌رود و یا برای مشایخ تصوف و عرفان. مانند شیخ صدوق در شهرری و شیخ کلینی در نشافویه ری، که هر دو از بزرگان فقه و دین هستند.

۱۹ - قدمگاه

جایی که روزی بزرگی دینی در آنجا مدتی توقف کرده باشد. مانند قدمگاه نیشابور و ...

۲۰ - مشهد

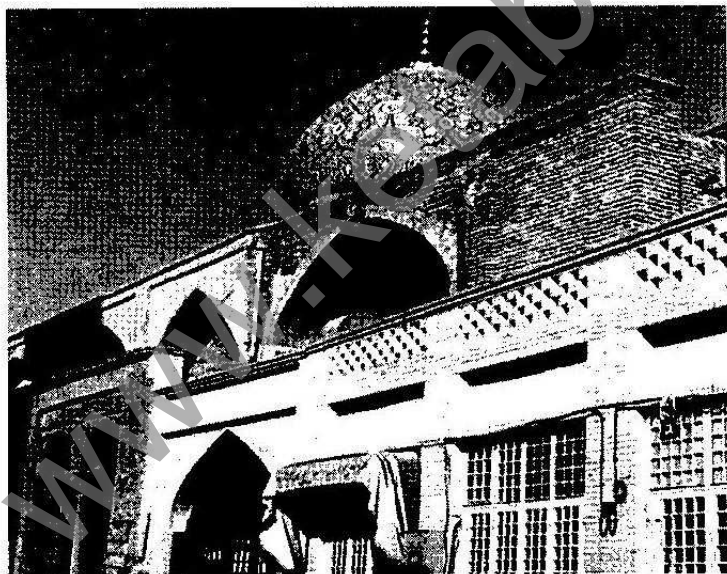
محل شهادت. مانند مشهد اردهال که مزار سلطان علی است و هر ساله در مهرماه در آنجا مراسمی با عنوان قالیشوران برگزار می‌شود.

۲۱ - هفت تن

هفت قبر بی‌نام در مکانی به همین نام در شیراز.

۲۲- زیارت گاه‌هایی بدون هیچ‌گونه پیش‌نام

مانند حسین رضا در ورامین، یوسف رضا در روستایی به همین نام، حمزه رضا در هولار مازندران و هارون ولایت یا هارون ولایت در اصفهان که امام‌زاده‌ای که مدت‌ها مسلمانان شیعه و یهودیان اصفهان بر سر یهودی یا مسلمان بودن آن با هم اختلاف نظر داشتند تا اینکه به دستور آیت‌الله درگزی بنا شد؛ از یک ایوان کلیمی‌ها به زیارت بروند و از ایوانی دیگر مسلمانان.



امام‌زاده هارون ولایت، اصفهان